

## معامله به قصد فرار از دین

کسی که قرض می‌گیرد از لحاظ شرعی و اخلاقی موظف به پرداخت آن است. اما کسانی به قصد فرار از دین با انجام معاملاتی اموالشان را به دیگران منتقل می‌کنند یا دارایی خودشان را به اسم زن یا پسر یا سایر اقوامشان ثبت می‌کنند تا بدین وسیله به هنگام فرا رسیدن دین ادعای اعسار کرده و طلب طلبکاران را نپردازند. درحقیقت هدف مدیون از ارتکاب چنین حيله‌ای این است که بر طلبکاران ضرر وارد کرده و حقشان را نپردازد.

حال آیا این حيله مشروع است؟ و آیا معاملات و نقل و انتقالی که مدیون به قصد اضرار به طلبکاران انجام می‌دهد، نافذ است؟ و نسبت به این معاملات تارة قصد به این معامله صوری است و گاه جدی و حقیقی است.

در میان فقهاء امامیه جز عده‌ای معدود، اکثر فقهاء در مورد معاملات مدیون بقصد فرار از دین چیزی اشاره نکرده‌اند. لذا «ملا محمد نراقی» در

«مشارق الاحکام» گوید: جز من و پدرم کسی در این مورد بحثی نکرده است.<sup>(۱)</sup> برخی از فقهاء از جمله: «ابن زهره»<sup>(۲)</sup>، «صهرشتی»<sup>(۳)</sup>، «محقق حلی»<sup>(۴)</sup>، «ابوزکریا هذلی»<sup>(۵)</sup> (وفات ۶۹۰ هـ)<sup>(۶)</sup>، «علامه حلی»<sup>(۷)</sup>، «مقدس اردبیلی»<sup>(۸)</sup> و «صاحب جواهر»<sup>(۹)</sup> معتقدند بطور کلی هرگونه معامله‌ای که مدیون قبل از صدور حکم حَجْر انجام بدهد صحیح است. بدون اینکه اشاره‌ای به موضوع مورد بحث داشته باشند. اینان دو دلیل دارند: ۱- قاعدة تسلیط (ألناس مسلطون علی أموالهم) ۲- تا زمانیکه حکم حَجْر مدیون از ناحیه حاکم شرع صادر نشود هرگونه تصرف مالی حتی اگر سبب اخراج تمامی اموال مدیون و اعسار کامل او شود، صحیح و نافذ است.

لازم بتذکر است به نظر فقهاء ثبوت حَجْر برای مدیون به چهار چیز است و تا این چهار شرط تحقق نیابد حکم حَجْر را نمی‌توان صادر کرد:

۱- دیون نزد حاکم ثابت شود. ۲- دیون حال و بدون مدت باشد. ۳- اموال

(۱)- مشارق الاحکام ص ۸۸.

(۲)- غنیه چاپ در سلسله... ج ۱۵ ص ۱۹۳.

(۳)- اصباح الشیعه چاپ در سلسله... ج ۱۵ ص ۱۹۵.

(۴)- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۳۴۳.

(۵)- یحیی بن احمد حلی هذلی مکتبی به ابوزکریا و ملقب به نجیب‌الدین و ابن سعید، از فقهای امامیه در قرن هفتم هجری است. وی پسر عموی محقق حلی و نوۀ دختری ابن‌ادریس است و از مشایخ روایت علامه حلی و ابن‌داود و سید عبدالکریم بن‌طاروس و دیگران است. محقق حلی و ابن‌نما از اساتید وی بوده‌اند. از تألیفات اوست: جامع‌الشرايط، الفحص و البیان عن اسرار القرآن، معالم‌الدین فی الفقه، نزهة الناظر فی الجمع بین الاشياء و النظائر (در فقه امامیه)، المداخل فی اصول الفقه و... .

وی در سال ۶۰۱ هـ ق در کوفه متولد شد و در عرقة سال ۶۸۹ یا ۶۹۰ هـ ق در حله وفات یافت.

(۶)- جامع‌الشرايط چاپ در سلسله... ج ۱۵ ص ۲۰۹ تذکر این نکته ضروری است که در سلسله‌الیتابیع الفقهیه نام کتاب «جامع‌الشرايع» آمده ولی در الذریعه ج ۵ ص ۶۱ و ریحانة الادب ج ۷ ص ۵۶۶ تحت عنوان «جامع‌الشرايع» معرفی شده است.

(۷)- تذکرة الفقهاء ج ۲ ص ۵۷.

(۸)- زبدةالبیان ص ۴۸۹.

(۹)- جواهر الکلام ج ۲۵ ص ۲۷۹.

مدیون کمتر از دیون او باشد. ۴- طلبکاران حَجْر مدیون را از حاکم شرع درخواست کنند.<sup>(۱)</sup>

«صاحب جواهر» (قدس سره) گوید: «مدیون قبل از صدور حکم حَجْر از جانب حاکم از تصرف در اموال خود ممنوع نیست. و اگر بنحوی تصرف کند که اموالش از ملکیت او خارج شود، تصرفاتش نافذ و صحیح می‌باشد. و دلیلش این است که ممنوعیت مدیون از تصرفات منوط به این است که حکم حَجْر او توسط حاکم شرع صادر شود.»<sup>(۲)</sup>

اما در مقابل برخی از فقهاء چون «ملا محمد نراقی»<sup>(۳)</sup> و پدرش «ملا احمد نراقی»<sup>(۴)</sup>، «ملا محمد باقر بارفروش»<sup>(۵)</sup>، «سید محمد کاظم طباطبائی یزدی»<sup>(۶)</sup>، «سید ابوالحسن موسوی اصفهانی»<sup>(۷)</sup>، «امام خمینی»<sup>(۸)</sup> قدس الله اسرارهم چنین معاملات را صحیح نمی‌دانند.

مهمترین استدلالی که این دسته از فقهاء عظام مطرح کرده‌اند دو دلیل است: یکی استناد به قاعدهٔ لاضرر و دیگری نامشروع بودن اینگونه معاملات است. توضیح مطلب: «ملا احمد نراقی» اینگونه معاملات و تصرفات را ضد وجوب اداء دین و در نتیجه حرام و باطل دانسته‌اند از باب امر بشئ مقتضی نهی از ضد آن هست. ولی «ملا محمد نراقی» ضمن ایراد به این استدلال و اینکه چنین نهی‌ای

(۱)- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۳۴۳، تبصرة المتعلمین ص ۱۱۴.

(۲)- جواهر الکلام ج ۲۵ ص ۲۷۹.

(۳)- مشارق الاحکام از ص ۸۸ تا ۹۰.

(۴)- همان مدرک، همان صفحه.

(۵)- شعائر الاسلام ص ۴۱۷.

(۶)- رساله السئوال و الجواب ص ۲۲۴.

(۷)- وسیلة النجاة ج ۲ ص ۱۱۰.

(۸)- تحریر الوسیلة ج ۲ ص ۱۶۸.

مقتضی فساد نیست. (۱) بدلیل قاعدهٔ لاضرر این تصرفات را نافذ نمی‌داند.

بنظر «ملا محمد نراقی» همه این بحثها همانطوریکه در دیون معجله و حال مطرح است، در مورد دیون مؤجله و مدت‌دار نیز صادق است. پس اگر کسی دین مؤجل بر ذمه داشته باشد ولی کاری کند که قبل از فرا رسیدن دین خود را از تمکّن اداء آن خارج کند، مثلاً اموال خود را ببخشد و یا بدیگری بفروشد و... ضرر در اینجا نیز صادق بوده و تصرفات او نافذ نیست. زیرا ادلهٔ نفی ضرر شامل این مورد هم می‌شود. (۲) البته جای بحث در جریان قاعدهٔ لاضرر در مانحن فیه فراوان است، و در این مختصر علی جمیع المبانی از حوصلهٔ خارج است.

«ملا محمد باقر بارفروش» در پاسخ به سئوالی که از او دربارهٔ تبرّعات بقصد فرار از دین می‌شود، می‌گوید: این تصرفات شبیه مکاسب محرّمه مثل فروش انگور بقصد شراب درست کردن آن می‌باشد و باطل است. (۳) البته تنظیر آن به مسألهٔ فروش انگور بقصد شراب درست کردن درست نیست، بلکه مسألهٔ فرار از دین در صورت قصد جدی وی به معامله بنحو داعی است.

«سید محمد کاظم یزدی» نیز در جواب سئوالی که از او در مورد صلح بقصد فرار از دین شده، بدلیل قاعدهٔ لاضرر و یا ادلهٔ صلح و یا نامشروع بودن آن بر عدم صحّت چنین صلحی فتوا داده‌اند. عبارت وی چنین است: «أظهر عدم صحّت است: إما لانصراف أدلّة الصّحیح واما لقاعدة الضّرر واما للأخبار الدّالّة علی النّهی عن بیع العنب لیعمل خمراً ونحوها...» (۴) که هر سه دلیل وی جای مناقشه است.

(۱) - صاحب مفتاح الکرامه کوبید: هر چند در اصول بنظر اکثر فقهاء نهی در معامله مقتضی فساد نیست ولی در فقه همه بجز اندکی متفقند که نهی در معامله مقتضی فساد است.

(مفتاح الکرامه ج ۴ ص ۱۰۳)

(۲) - مشارق الاحکام از ص ۸۸ تا ۹۰.

(۳) - شعائر الاسلام ص ۴۱۷.

(۴) - رساله السئوال و الجواب ص ۲۲۴.

فقهایی چون «سیدأبو الحسن اصفهانی»<sup>(۱)</sup> و «امام خمینی»<sup>(۲)</sup> قدس سرهما نیز با عباراتی یکسان صحّت صلح یا هبه مدیون را که به قصد فرار از دین صورت بگیرد و در آینده هم امیدی به تحصیل مال برای او نباشد، محل اشکال قرار داده‌اند. ولی چنانچه قصد به معامله جهت فرار از دین صورتی باشد قطعاً معامله باطل است بجهت اینکه هویت عقد به قصد است و در صورت صورتی بودن قصد انشائی تحقق نگرفته و قهراً عقد باطل است.

و اما در فقه عامّه: در مذهب مالکی<sup>(۳)</sup> اگر مدیون قبل از حکم حَجْر برای فرار از دین خود را معسر کند، طلبکاران می‌توانند او را از هر نوع تصرفی که موجب ضرر بر آنها باشد منع کنند. مثل تبرّع، هبه، صدقه، وقف، قرض دادن، اقرار بدین و اقرار به نفع همسر و یا پسرش. اما غیر از این تصرفات مذکوره، تصرفاتی که معاوضی باشد مثل بیع و شراء، را نافذ دانسته‌اند.

ولی بنظر سایر فقهاء در مذهب حنفی<sup>(۴)</sup> و شافعی<sup>(۵)</sup> و حنبلی<sup>(۶)</sup> بر مدیون حَجْری نیست مگر اینکه به حکم قاضی باشد. پس تصرفاتش قبل از حکم قاضی نافذ است (چه به قصد فرار از دین باشد یا نباشد) ولی وقتی که حکم حَجْر صادر شد مدیون از تمام تصرفاتی که موجب ضرر بر طلبکاران بشود منع می‌شود.

اما بعضی از فقهای این مذاهب تصرفات مدیون بقصد فرار از دین را صحیح نمی‌دانند. از جمله: «أبویوسف» و «محمد» از اصحاب أبوحنیفه گفته‌اند که قاضی می‌تواند بدهکار را از تصرف در اموال خود منع کند هرگاه سبب ضرر بر طلبکاران

(۱) - وسیلة النجاة ج ۲ ص ۱۱۰.

(۲) - تحریر الوسیة ج ۲ ص ۱۶۸.

(۳) - الشرح الكبير مع حاشية الدسوقي ج ۳ ص ۲۳۷ و ص ۲۵۰، بداية المجتهد ج ۲ ص ۲۸۴، القوانین

الفقهیه ص ۲۱۰.

(۴) - تبیین الحقایق ج ۵ ص ۱۹۲ و ص ۱۹۹، اللباب فی شرح الكتاب ج ۲ ص ۷۲ و ص ۷۳.

(۵) - مغنی المحتاج ج ۲ ص ۱۴۷ و ص ۱۴۹، المهدب ج ۱ ص ۳۲۰.

(۶) - مغنی ابن قدامة ج ۴ ص ۲۸۳ و ص ۲۸۸، کشاف القناع ج ۳ ص ۴۱۷ و ص ۴۱۸.

بشود. مثل اقرار کردن به نفع دیگران و فروش مال خود به کمترین قیمت به دیگران و... (۱). بنظر «ابن عابدین» که یکی از فقهای معروف حنفی است هرگونه تصرفی که مدیون قبل از حجر برای ابطال حق طلبکاران انجام بدهد مثل هبه و هدیه اموال خود بدیگران، باطل است. (۲)

«ابن تیمیه» (۳) و «ابن قیم» (۴) نیز قائل به عدم صحّت و نفوذ تبرّعات مدیون معسر قبل از صدور حکم حجر می‌باشند.

«ابن قیم» در مورد علّت عدم نفوذ اینگونه تصرفات گوید: «مقتضای اصول وقواعد شرع این است که اینگونه تصرفات صحیح نباشد، زیرا در این حالت حق طلبکاران به اموال مدیون تعلق گرفته است. و بهمین دلیل است که در صورت درخواست طلبکاران حاکم می‌تواند حکم حجر او را صادر کند. و اگر در این حالت مدیون آزاد باشد تصرفات او موجب ضرر بر طلبکاران خواهد شد. و اسلام چنین چیزی را نمی‌پذیرد. بلکه کوشش اسلام در این است که حق هرکس حفظ شود». (۵)

بهرحال باتوجه به اینکه هدف مدیون از اینگونه معاملات و نقل و انتقالات و تبرّعات به قصد فرار از دین و نیز اضرار بر طلبکاران می‌باشد، بدلیل قاعده لا ضرر که مقتضای عدم نفوذ و صحّت آن است و یا به دلیل نامشروع بودن که مقتضای حرمت و بطلان آن است معاملات و تصرفات مدیون قبل از صدور حکم حجر جایز و مشروع نیست.

بعلاوه دلیل دیگری که می‌توان بدان بر حرمت و عدم صحّت و نفوذ اینگونه

(۱) - تبیین الحقایق ج ۵ ص ۱۹۹.

(۲) - ابن عابدین، حاشیه ردّ المحتار ج ۶ ص ۱۵۱. از انتشارات دارالفکر چاپ دوم.

(۳) - الفتاوی الکبری ج ۴ ص ۵۱۲.

(۴) - اعلام الموقعین ج ۴ ص ۸.

(۵) - همان مدرک.

معاملات استناد کرد این است که بنظر همه فقهاء و فاء به دین واجب بوده<sup>(۱)</sup> و اگر کسی در این امر سهل‌نگاری کند و قصدش ادا آن نباشد، گناه بزرگی را مرتکب شده است. و روایات زیادی نیز برای این امر دلالت دارد. از جمله امام صادق (ع) فرمود: مَنْ اسْتَدَانَ دِينًا فَلَمْ يَنْوِ قِضَاءَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ<sup>(۲)</sup> یعنی: کسی که مالی را از شخصی قرض کند ولی قصد پرداخت آن را نداشته باشد، همانند دزد است.

و نیز فرمود: أَيُّمَا رَجُلٍ أَتَى رَجُلًا فَاسْتَقْرَضَ مِنْهُ مَالًا وَ فِي نَيْتِهِ أَنْ لَا يُؤَدِّيَهُ فَذَلِكَ اللَّصُّ الْعَادِي. <sup>(۳)</sup> یعنی: اگر کسی نزد شخصی برود و از او مالی را قرض کند ولی نیتش این باشد که دینش را نپردازد، این يك نوع دزدی آشکار است.

«ثمامه» گوید: به امام ابو جعفر ثانی (ع) گفتم: می‌خواهم به مکه و مدینه بروم و حج کنم ولی دین برعهده دارم؟ امام (ع) فرمود: ارجع الی مودّی دینک و انظر ان تلقی الله عزّوجلّ و لیس علیک دین، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَخُون.<sup>(۴)</sup>

لذا فقهاء فتوا داده‌اند چون و فاء به دین واجب است پس عزم و تصمیم بر اداء آن نیز واجب می‌باشد.<sup>(۵)</sup>

از جمله: «ابن ادریس» گوید: کسی که بدهکار می‌باشد واجب است بر او که در قضای دین عزم و تصمیم داشته باشد. و اگر چنین عزمی را ترك کند و در اداء دینش سهل‌انگاری نماید گناهکار بوده و به منزله سارق است.<sup>(۶)</sup>

(۱) - صاحب جواهر بر وجوب آن ادعای اجماع کرده است. (جواهر الکلام ج ۲۵ ص ۴۱ و ص ۴۲).

(۲) - وسائل الشیعه ج ۱۲ از ابواب دین و قرض باب ۵ حدیث ۲.

(۳) - همان مدرک حدیث ۵.

(۴) - وسائل الشیعه ج ۱۲ باب ۴ از ابواب دین و قرض حدیث ۲.

(۵) - فقه الامام جعفر الصادق (ع) ج ۴ ص ۸۱.

(۶) - السرایر چاپ در سلسله ج ۱۵ ص ۲۵.

«أبو صلاح حلبی»<sup>(۱)</sup> گوید: کسیکه بر ذمهٔ اودینی باشد، واجب است بر او که در قضای آن سعی و تلاش کرده و در خرج کردن اسراف نکند. و سزاوار است که با اقتصاد و میانه روی در زندگی قناعت را پیشهٔ خود کند.<sup>(۲)</sup>

«محدث بحرانی» گوید: نکته‌ای را در اینجا می‌خواهم بگویم که کسی بدان اشاره نکرده و آن اینکه صدور حکم حجر و زندانی کردن مدیون منوط به مَقْلَس شدن مدیون نیست، بلکه هرگاه مدیون قصدش این باشد که دین را ادا نکند حاکم می‌تواند او را حبس کند. و روایات نیز بر آن دلالت دارد.<sup>(۳)</sup>

در قانون مدنی نیز معامله بقصد فرار از دین باطل شناخته شده است. در ماده ۲۱۸ ق م آمده است: هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین بطور صوری انجام شده آن معامله باطل است. البته بطلان معامله معلول صوری بودن قصد وی هست نه براساس به قصد فرار از دین.

والحمد لله رب العالمین

(۱) - از فقهای امامیه در قرن پنجم هجری و از شاگردان سید مرتضی و شیخ طوسی است. وی از طرف آندو به تدریس و قیام به امور دینیّه بلاد حلب منصوب شد، ولذا به «خليفة المرتضى» و «خليفة الشيخ» موصوف گردید. از تألیفات اوست: البدایة، العمدة، الكافي، اللوامع (همه در فقه)، تقریب المعارف (در کلام) شرح الذخیره سید مرتضی و ...

وی بسال ۴۴۷ هجری در صد سالگی در حلب وفات یافت.

(۲) - الكافي في الفقه، چاپ در سلسله ... ج ۱۵ ص ۱۴ و ص ۱۵.

(۳) - الحدائق الناضرة ج ۲۰ ص ۳۸۴.